

"ارتش متحجرتین آلت پشتیبانی از نظام کهنه ، سفت و سخت ترین تکیه گاه انضباط بورژوازی ، پشتیبان سلطه سرمایه و وسیله حفظ و تربیت روح انقیاد برده و وار در زحمتکشان و تابع کردن آنان باین سلطه است  
(لنین : انقلاب پرولتری و کاتوتسکی مرتد جلد دوم قسمت دوم ص ۱۰۶ فارسی)

## ارتش شاه مزدور و روحیه میهن پرستی !

رژیم پهلوانی شاه ادعا میکند که ارتش او میهن پرست است و هر لحظه برای دفاع از تمام میهن آماده است ! واقعتاً خلاف گفتار رژیم رانیت میکند . باید گفت که میهن پرستی ارتش رژیم کرد انندگان دستگاه های تبلیغاتی رژیم ، جانفشانی برای حفظ نظام پوسید است . در حالیکه هزاران هزار وطن پرست واقعی وطن ما در سیاه چاله های رژیم و در تبعیدگاه ها بسر میبرند و یاد مبارزه علی با حکومت کودتا و حامیان امپریالیستش جان میبازند ، سخن از میهن پرستی ارتش ایران حرفی بوضوح بیپوده و تسخر انگیز است . اگر دلائلی که جوانان وطن ما را بسوی ارتش میکشاند مطالعه کنیم ، بی درنگ باهیت واقعی این لولوی سرخرمن بی خواهیم برد و آنگاه میتوانیم درجه " میهن پرستی " این ارتش را نیز حدس بزنیم .

ارتش ایران از دو قسمت وظیفه و کار تشکیل میشود . قسمت اعظم ارتش را وظیفه ها تشکیل میدهند . در مورد " وطن پرستی " وظیفه ها همیشه رکافیت که بگوئیم تا آنجا که ممکن است به این گروه هیچ فن نظامی آموخته نشود . رژه رفتن ، بیگاری دادن و زور شنیدن عده کارهای مختصر افراد پائین ارتش و وظیفه یعنی سربازان و درجه داران است . افسران وظیفه که از درجه ستوان یکی نمیتوانند بالاتر بروند بطی تمامی دوره خدمتشان با کتف جز چند گلوله ، شلیک نمیکند . مانورها و گشت هایشان همیشه به گردنهای دست جمعی تپیل میشوند . بزرگترین آرزوی ارتش وظیفه ، پایان یافتن هر چه زودتر دوره " خدمت " و بازگشت بزندان عادی است . بز رنگین وظیفه " ارتش وظیفه " بازی کردن نقش سیاهی لشکر است . بهمین دلیل است که شاه و همدستانش بایستند و دستداران پر و پا قرص نمایش های تنفر انگیز دوره " خدمت " ارتش وظیفه را به دو سال افزایش دادند تا بر حجم ارتش افزوده شود . البته در افزایش دوره " خدمت " نظام ، هدفهای پلید دیگری نیز نهفته است که سرپوش گذاشتن به بیگاری و کنترل کردن سیاسی مستقیم جوانان در سربازخانه ها از آن جمله اند . در جنگها و مواقعی که جانبازی برای حفظ نظام پوسیده کوشی ایران لازم باشد ، اولین عمل ارتش وظیفه سرپیچی از اوامر فرماندهان و فرار از ارتش خواهد بود . هم اینان هستند که در جنگ آزاد بیخس خلق گروه گروه و اوطلبانه به ارتش آزاد بیخس خلق می پیوندند و در راه پیروزی آرمانهای خلق جانبازی میکنند و حماسه میافزینند . رنج بدترین و زحمتکتر ترین افراد ارتش ایران را سربازان عادی تشکیل میدهند . آنها که از تهیدست ترین افراد خلق ، بویژه دهقانان هستند ، تمام امور روزمره ارتش را بازرگانی دادن های متوالی و سخت در گرما و سرما ، جاروب کردن پادگانها ، آشپزی ، صدی ، رانندگی و بالاخره تا رژه های منظم ، جنگیدن و کشته شدن را بدوش میکنند . علاوه بر جسم آنها ، روحشان نیز با زحمت و دوزخها رانندگی سال تحقیر خلق را بدوش میکند ؛ کتک میخورند ، زندانی میشوند ، اگر وظیفه باشند به عنوان مختلف خدمتشان تمدید میشود ، در مانورهای زخمی و کشته میشوند ، اسلحه های گوناگون و جدید را نخست توسط آنها آزمایش میکنند و بعنوان گوشت دم توپ ، قربانی مطامع چپا و لگرنه دستگاه حکومتی ایران و اربابان امپریالیست میشوند . آنها را کسب امتیازات و " افتخارات " افسران جاه طلب و مفتخور و حلقه - بگوش نظام پوسیده ایران هستند . درجه اعتماد رژیم به این افراد تا به آنجا رسیده است که افسران عالی رتبه ارتش پهلوانی شاه حتی در روز روشن بدون گارد محافظ در سربازخانه ها حاضر میشوند .

اما ارتش کادری ارتش مزدور شاه این ارتش چگونه تشکیل میشود و چه روحیه ای دارد ؟ جوانان ایرانی بنا به دو دلیل عمدتاً بطرف ارتش جلب میشوند که مهم ترین آن فقر است . روستا زادگان و خرد بورژوازی فقیر شهرها برای فرار از فقر و استفاده از مزایای مادی ارتش ، که بطور وسیعی درباره آن تبلیغات میشود ، سر نوشت خود را به ارتش میسپارند و رزده های پائین ارتش یعنی هنگ نوجوانان گروهبانی و همافری را بر میگیرند . گروه دیگر آنهاست که به آموزش عالی دسترسی ندارند و بدلائل مختلف دائماً از طرف خانواده خود و جامعه تحقیر میشوند و یاد رجوانی تحت تاثیر تبلیغات منقطع فیلم های سینمایی و تلویزیونی هستند ، ارتش را جای مناسبی برای بلند پر وایزهای خود می بینند و بطرف آن جلب میشوند . شاه این شیوه رواجت ، در کفرانس آموزشی را سر برای جلب کسانی که در کشورهای ووردی دانشگاهها مردود شده بودند ، میگفت " به قدرها بگوئید که ارتش در انتظار آنهاست " . شخص است که ارتش قدرها به چسبی منظور برایش بود و چه کار میآید ؟ پرورشگاهها و یتیم خانه های کشور نیز تعداد زیادی از کارهای مورد نیاز ارتش را تامین میکنند . افراد که در این نوع موسسات پرورش مییابند ، از نظر فرهنگی در پائین ترین سطح ممکن قرار دارند و بهمین دلیل صفوف رنجورها و کلاسهای از آنها پر میشوند . در یک کلام ، تنها فقر مادی و معنویست که جوانان ایرانی را بسوی ارتش میکشاند و روحیه میهن پرستی !

در ارتش ایران چهار گروه وجود دارد که عبارتند از ۱- سربازان عادی ۲- درجه داران ۳- افسران جز و ارشد ۴- افسران عالی رتبه . نحوه استخدام در گروهبانی ارتش چنین است : هر ایرانی که موفق به دریافت تصدیق کلاس نهم شده باشد میتواند برای گروهبانی در ارتش تقاضای استخدام کند . معمولاً در بین جوانانی که برای گروهبانی ثبت نام میکنند ، دانش آموزانی که در کلاس نهم یا دهم و یا دوازدهم هستند و کمال در رشته خود رفته شده اند دیده میشوند . آنها پس از دیدن یک دوره آموزشی شش ماهه و شش ماه خدمت با سردوشی ، به درجه گروهبانی دومی " مفتخر " میشوند . در مدت شش ماه تعلیماتی خود ، ماهی ششصد تومان دریافت میکنند . میتوانند حدس بزنید که چه کسانی میتوانند به طمع ششصد تومان پول توجیبی ، آزادی خود را به ارتش مزدور بفروشند تا آنجا که مشاهده شده است ، هر روز جوانان کم سن و سال وطن ما ، دسته دسته ، در حالیکه از مال دنیا یک کیف پاره به همراه دارند ، برای گروهبانی ثبت نام میکنند و به پادگانها فرستاده میشوند . اکثریت مطلق آنها را فرزندان خرد بورژوازی فقیر شهرها و جوانان جنوبی شهر تهران در آرزوی آنند که به تحصیلات عالی دست یابند و در رتبه مهندسی و یادگردد آیند . روستائیان کشور بویژه روستائیان آذربایجان که با تحمل هزار مشقت فرزند خود را تا کلاس نهم رسانده اند ، در آرزوی زندگی بهتر آیند ، آزادی جوانان خود را به ماهی ششصد تومان میفروشند و به این طریق بار زندگی خود را سبک تر میکنند . عده ای از اوطلبان به علت نقص عضو کم اهمیت ، در معاینه پزشکی مردود میشوند ! شاهد گریه و التماس جوانانی بودیم که تمام دارائی خود را هنگام مسافرت و حین اقامت در تهران و به امید ششصد تومان ماهیانه گروهبانی ، خرج کردند و تمام غصه آنها نه تنها تهنیه پول ( از چه راهی ؟ ) برای مراجعت به وطن خود بود ، بلکه در این فکر بودند که در مراجعت چه جوابی به والدین بیمار و پول خود بدهند . عده ای دیگر نیز که در یکی از کلاسهای دهم تا دوازدهم رفته اند ، ششصد تومان را برای فرار از دست شامت و تحقیر اطرافیان خود به ارتش " پناه " میبرند تا با " استقلال " مالی و کسب درجات ارتشی ، از دست تحقیر دیگران راحت شوند . کم نیستند کسانی که پس از مدتی اقامت در ارتش و با وجود دریافت مستمری ماهی ششصد تومان ، سخت از کرده خود پشیمان میشوند ؛ ولی از دست پشیمان شدن گان کاری ساخته نیست زیرا ارتش آنها را به آسانی رها نمیکند و اگر اجبورتند که چوب فقر و یک لحظه اشتباه ، که آنها را به ارتش کشاند ، بخورند و در ارتش " محبوب " به " خدمت " خود ادامه دهند . در این میان جوانانی پیدا میشوند که به عمد در خود نقص عضو بوجود میآورند تا خود را از " خدمت " در ارتش رهایی بخشند . مثلاً در حین کتیک دادن ، از فرصت مسلح بودن استفاده میکنند و با شلیک گلوله ای بیکی از انگشتان خود ، خود را مجروح میسازند و چه بسا در این راه سستی و بیایستی را از دست میدهند .

استخدام در کادری افسری نیز با کمی تفاوت ، دست کمی از استخدام در کادری گروهبانی ارتش ندارد . معمولاً کسانی که در دانشگاهها ، افتخار ثبت نام میکنند هیچ شانس برای ورود به دانشگاه ندارند و یاد رکنکور و ورودی دانشگاهها و ارسالی رفته اند ، تنها راهی که برایشان باقی میماند دانشگاه " افسریست " . این روزها ، دانشگاه " افسری " با اشغال صدلی هائی در دانشگاه های پزشکی و فنی و بعضی از رشتهها دیگر ، توانست عده بیشتری از جوانان ما ، بوسه سرخورد و کشور را در جنگال بگیرد . خصوصیات نظیر جاه طلبی و خود نمائی ، جوانانی را به صفوف ارتش و شهربانی میکشاند .

افسران ارتش یک رژیم زورگویی و تقلب چه میداند ؟ ارتش ایران

## امپریالیسم فرانسه همکار رژیم فاشیست شاه

تیراندازی بسوی یکی از عوامل ساواک - عواملی که بعنوان مختلف دیپلماتیک در کشورهای دیگر به کار جاسوسی اشتغال دارند - بهانه بدست دولت فرانسه داد تا به جنبش دانشجویی ایران دستبرد و شبیخون بزند ، عده ای را دستگیر کند ، بزند ان دازد ، از فرانسه اخراج کند و تحت عنوان مبارزه با " تروریسم " به ترور دانشجویان ایرانی بپردازد .

رژیم شاه که در ایران کوچکترین صدای اعتراض را با شدتی که در سراسر جهان کم نظیر است خاموش میسازد ، دیری است که دست عمل خود که به کشورهای خارج کسبیل میدارد برای دانشجویان خارج از کشور پیرونده سازی میکند . امروز اعضای سفارتخانه ها غیر ایران از سفیر گرفته تا کارمندان در رتبات پائین از عوامل ساواک و فعالیت آنها قبل از آنکه دیپلماتیک باشد در این جهت سپر میکند که دانشجویان ایرانی را زیر نظر بگیرد ، گفتار و رفتار آنها را به ساواک گزارش دهد و حتی برای رجالی از کشورهای دیگر که به دفاع از خواست های حق دانشجویان ایرانی بر میخیزند و رژیم شاه را بنسبیت نقش آشکار و هشت انگیز حقوق انسانی محکوم میکند پیرونده بسازد . اقتضای این امر آنچنان بالا گرفته است که در همه محافل سیاسی و مطبوعاتی از آن صحبت به میان میاید و کلیه عناصری را که به حاکمیت کشور خود پای بندند و همه سازمانهای مترقی جهانی را به اعتراض واداشته است .

این شغل " شریف " جاسوسی که سفارتخانه های ایران بدان مشغولند با اطلاع و همکاری دولت و پلیس کشورهای مر بوطه انجام میشود . شاه ایران این همکاری میان ساواک و دولت و پلیس کشورهای دیگر را برای تحت نظر گرفتن دانشجویان ایرانی و رجالی مترقی خارجی با صراحت فاش کرد . کیسینجر وقتی خود را به " کوچه " علی چپ میزند و ایران را تهدید میکند که از اینکار جلو گیری خواهد کرد فقط میخواهد بر روی این کار فضیحت بار دولت و پلیس آمریکا سرپوش بگذارد .

فعالیت جاسوسی مقامات دیپلماتیک ایران در کشورهای خارج بمنزله نقض حاکمیت این کشورهاست ، اما این کشورها نتقد حق حاکمیت خود را با تطبیب خاطر می پذیرند و چنانچه بر حسب تصادف سروصدای آن بلند شود آنرا بنحوی خاموش میکنند . دلیلتهم اینست که ایران سفره گسترده ای است که هر یک از امپریالیستها میتوانند از آن سهم کم و بیش بزرگی ببرند . شاه همه را بر سر این سفره فرامیخواند و بهر یک لقمه ای میخورند تا در لحظات بحرانی یار و یاور او باشند .

امپریالیسم فرانسه بار دیگر بوی پول ، بوی ده هایلیارد فرانک بمشامش رسیده است و برای خوش خدمتی به شاه این بار هجوم و حمله به دانشجویان ایرانی مخالف رژیم را وثیقه " حقیت " قرار داد های اقتصادی با ایران قرار داده است . دولت و پلیس فرانسه بجای آنکه دست عمل ساواک را که با عنوان دیپلمات در فرانسه به جاسوسی مشغولند کوتاه کند بقیه رصفه ۲

" امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها در رهبری کشوری که نفوذ خود را می گسترانند متحد نزدیکی دارند که هم بورژوازی ارتجاعی آن کشور است . این متحد برای آنها نقش شلاق را بازی میکند و در عین حال نقش عاملی که خشم مردم را فرو می نشاند آنها را امپریور و سلطه میسازد برای آنکه در صورت بروز انفجار جهانی نیروی ضربه آنان باشد و نیروی ضربه برای مقابله با خلقهایی که علیه مستکمران داخلی و خارجی به انقلاب بر میخیزند . لذا این نیرو را نمیتوان از یکدیگر جدا کرد . بدین مبارزه با یکی از آن و نمیتوان مبارزه با دیگری برخاسته بدین مبارزه با ارتجاع داخلی تا حوگامل آن نمیتوان با دشمن خارجی مبارزه کرد ، نمیتوان از جنگ جلوگیری کرد " .

( انور خوجه گزارش به همتین کنگره حزب تار آلبانی )

## برای حفظ صلح باید براه انقلاب رفت

ارتش شاهزاده دور... بقیماز صفحه ۱  
 تمام صفات رزیده است. جالب اینجاست که گاهی اوقات، در زمان استقبال نیز لباس افسری میپوشند و در خیابانها میگردند و تا آنجا که میتوانند به کسبه زور میگویند و آنها را به عناوین مختلف چپاول میکنند تا اینکه بالاخره در اثر اشتباهات خود، از طرف مقامات "رسی" به جرم سوءاستفاده از لباس افسری دستگیر میشوند. این موضوع از طرفی، به خوبی نقش این لباس و ماهیت کیف پوشندگان آنرا نشان میدهد! هر افسری را به درجات ژنرالی یا تیپساری در ایران راهی نیست و غالباً افراد طبقات "ممتاز" جامعه، امتیاز انحصاری آنرا در دست دارند. آنها فرزندان خود را از کودکی به مدرسه نظام میفرستند که پس از طی منظم دورههای دبیرستان نظام، دانشکده افسری و دیدن دوره های مخصوص شستشوی مغزی از مریدان آمریکائی و انگلیسی، به کسب درجه ژنرالی "مفتخر" خواهند شد. بیرونده آنها از کودکی در ارتش موجود است و تمام واکنش های آنها در پیروند هاشان منعکس است و از نظر ارتش، نقطه تاریکی در زندگی آنها موجود نیست. ناگفته نماند که ارتقا در ارتش ایران بسیار مشکل است. مثلاً آنهائی که به گروهی وارد میشوند باید حداقل هشت سال، تنها بعنوان درجه دار، تعهد خدمت بدهند و پس از آن، اگر چنانچه در این مدت به دریافت دیپلم متوسطه موفق شوند، پس از اینکه هشت سال تعهد آنها سپری شد، میتوانند، با توجه به شرایط سنی، یکسال دوره کلاس افسری را به بینند و آنگاه به درجه ستوان محو خواهند رسید و در سبک افسران در خواهند آمد و پس از آن، ارتقا در درجات آنها تابع مقررات ارتش خواهد بود یعنی عملاً آنها را به درجات بالای ارتشی دسترسی نخواهد بود! اینست طبقه بندی موجود در ارتش ایران؛ ارتش هر جامعه ای طبیعتاً با تازایی از طبقات موجود آن جامعه میباشد! در محیط ارتش، خفقان ناشی از اختلاف طبقاتی شدیداً اجتنابناپذیر است. فقط برای افسران رستوران تفریحی با تمام امکانات، در یادگانها وجود دارد. در این رستورانها، سه سالن غذاخوری مجزا موجود است. سالنی برای افسران جز، سالنی برای افسران ارشد (از سرگردی تا سرهنگ تمامی) و سالنی برای افسران عالیترتبه (از سر تیپ به بالا).

افسران ارتش شدیداً اجاه طلب، خودنما و خود پسند و برای نرهای تشویق و یا کسب کوچکترین امتیازی، لحظه ای از چپاولسوی و تعلق گوئی و دوپهم زنی باز نمی ایستند. برای اینکه یکران راحت تاثیر قرار دهند و توجه هارا بسوی خود جلب کنند، از هر فرصتی استفاده کرده و هر وسیله ای را بخود آویزان میکنند. آنها، هم چنانکه روح ارتش های پوشالی و ضد خلقی ایجاد میکنند، در محیطی از زور و کوشی بی اصول و خصلت حیوانی پرورش مییابند. شعار ارتش ایران اینست: ارتش چرا ندارد. یعنی هر فرمانی غیر منطقی و هر حرف زور را از طرف مافوقهای خود بدون چون و چرا قبول کن و به زیرستان خود نیز زور بگو. دون مایگی و گداصفتی افسران کادر بعدی است که علناً و در مقابل همه، از کوچکترین رشوه های محلی یک لقمه خوراک و یا یک دانه سیگار، نیگدرند و زیرستان آنها، برای گرفتن مرخصی و یا تشویق، شکم آنها را با پرتقال، گوجه سبز، خیار، هندوانه و ماست، پر میکنند. بی سواد ی ارتشیان، بویژه افسران، زبانزد خاص و عام است. آنها حتی زبان عادی را هم به زحمت صحبت میکنند. البته هستند افسران عالیترتبه ای که در مکتب اربابان امپریالیست و مستقیمار رخت آنها، زبان گرم و نرم "علمی" را برای تحمیل خلق آموخته اند و چه بسا که روزی بعنوان برک برنده های روشنفکر، در این میان، محیطی که رکن دوم ارتش، یعنی سازمان امنیت ارتش، بوجود آورده است، زندگی کیف ارتش را کیف ترمیسازد. آنها به هیچکس، حتی به اطرافیان نزدیک خود نیز اعتماد ندارند! اگر اوقات را در حالت اخم و بدگمانی بسر میبرند و به درود یوار سو ظن دارند. در یک چنین محیطی، ارتشیان، بویژه افسران، کاملاً کنترل عصبی خود را از دست میدهند و اگر بیک بیمار روانی بیشتر شباهت دارند تا یک انسان عادی علمی. اخیراً در اثر اشغال ظفار توسط ارتش متجاوزانه، شدت اختلاف در یادگانهای مختلف افزوده شده است. در این حال برخورد هائی افسران سطوح مختلف را در مقابل هم قرار میدهند و به توبیخ و انتقاد افراد پائین تر منجر میشوند. شدت ناراضی در ارتش بعدی رسیده است که عدای افسران، حتی با بیست تا ۲۵ سال سابقه کار، تقاضای بازنشستی کرده اند! و نیز منظور تقویت دیسیپلین نظامی در ارتش به کوچکترین بهانه های سربازان و درجه داران را تنبیه میکنند. توبیخ، بازداشت، تنگبانی های اجباری زندانی کردن وسیع سربازان و درجه داران کادر وظیفه بصورت پدیدهای بسیار عادی در آمده است و این امر نبویه خود به ناراضی هر چه بیشتر در ارتش دامن میزند. هر چه درباره ایمان ارتشیان، بویژه افسران ارشد و عالیترتبه بگوئیم کم گفته ایم. اکثر آنها به کار تجارت، خرید و فروش زمین، خانه و اتومبیل مشغولند. عدای زیادی از آنها هنوز از ملاکین بزرگ ایران بشمار میروند. ژنرالها - بوسیله سهام شرکتهای صنعتی و تجاری، مستقیمار را استثمار خلق کارگرماسرکت میکنند.

افسران، علناً یا استفاده از موقعیت نظامی خود و امتیازات ناشی از آن، برای ثروت اندوزی استفاده میکنند. آنها چند ساعتی در محل "خدمت" حاضر میشوند و با کوچکترین بهانه ای، برای انجام کارهای شخصی یادگان را ترک میکنند. هم اینان هستند که اغلب حلقه بندی امپریالیسم را بگردن دارند و هر چه استاد ازل گفت بکن، انجام میدهند. مصونیتی که حلقه بگوشی بیگانگان برای افسران بوجود میآورد، به اینان امکان میدهد، با خیال راحت بکارهای قاچاق و دزدی و... بپردازند.

فقدان ایمان و روحیه جنگی ارتش بر همه کس، حتی رژیم مزدور شاه نیز روشن است. حتی حضور بیش از سی هزار مستشار نظامی آمریکائی در ایران و برخورد اری ارتش شاه از مدرن ترین تسلیحات جهان قادر نیست نرهای بقابلیت نظامی ارتش بی ایمان شاه بیفزاید بهبود نیست که اخیراً با زماندگان جنگهای هندوچین که زمانی مزدور آمریکائی شکست خورده بودند، با حقوقهای کلان به استخدام رژیم سیاه پهلوی درآمدند. البته حکومت کودتا، با صرف بودجه های کلان و بیاری مستشاران آمریکائی، انگلیسی و اسرائیلی، تمام امید خود را بر روی قسمت کوچکی از ارتش متمرکز ساخته است. این نیرو که از کار جاویدان و لشکر کارد (لشکر محافظ تهران) تشکیل میشود جمع افراد آن به زحمت به سی هزار نفر میرسد. تعلیمات نظامی آنها مستقیماً بعهده مستشاران آمریکائی و اسرائیلی است. بخشی از اینان در خارج از ایران (ایالات متحده، انگلستان، آلمان و اسرائیل) دوره می بینند و در ایران غالباً مانورهای آنها که با فرماندهی مستشاران خارجی انجام میگردد، مشاهده میشود. نیروهای انقلابی ایران تنها با این نیروی کوچک روبرویند که از نظر تاکتیکی باید از رزرت جنگی آنرا در نظر گرفت. افراد تشکیل دهنده این نیرو، بویژه از یتیم خانه ها و پرورشگاهها دست چین شده اند و بوسیله مستشاران آمریکائی در محیطی از خصلت کاملاً حیوانی و ضد بشری پرورش یافته اند. آنها را بطرز وحشتناکی شستشوی مغزی میدهند و شاه مزدور از نزدیک با آنها در ارتباط است و ریاست ستاد این نیرو را شخصاً بعهده دارد. بقیه "ارتش یک میلیون نفری شاه" جزو سپاه لشکر است و اگر آترابه "لولوی سرخرمن" تشبیه کنیم، سخنی به گزاف نگفته ایم.

این بود ماهیت افراد ارتش. حال خود حدس بزنید اگر جنگی درگیرد چه میشود؟ آیا میتوان انتظار جز خالی شدن عرصه کار زار در اولین لحظات دفاع از "مام میهن" داشت؟ تاریخ معاصر ایران شاهد زندهای از بوسیدگی و بی کفایتی ارتش ایران در برابر هجوم بیگانه ارائه میدهد. این ارتش "روحیه میهن پرستی" خود را در اولین نبردش، یعنی در شهریورماه ۱۳۲۰ کاملاً باغیثات رسانید (؟!) زیرا از همان نخستین لحظات اعلان جنگ از طرف متفقین بگی از هم پاشیده شد! افسران و درجه داران "ارتش شاهنشاهی" با فرار شمعمانه خود در لباس زنانه و در حالیکه تفنگ خود را بدور انداخته بودند، صفحه جدیدی در تاریخ "میهن پرستی ارتش گشودند؟! افسران ارشد و عالیترتبه نیز بدستور اربابان انگلیسی خود قدمی در راه مقابله با بیگانه برنداشتند. علت از هم پاشیدگی کامل ارتش ایران را در جریان جنگ جهانی دوم، باید در سرسپردگی بی چون و چرای آن به منافع بیگانه امپریالیست جستجو کرد که در ضمن بهترین دلیل بقای "ارتش شاهنشاهی" است! ارتش مزدور شاه، در صحنه بین المللی فاقد هرگونه ارزش جنگی یک ارتش ملی است و بهیچ وجه قادر به مقابله با ارتش های منظم کشورهای مستقل نیست. ولی همین ارتش وظیفه ای دارد که تاکنون نیسز از عهده آن برآمده است.

ارتش مزدور ایران بمعنوان یکی از مهمترین ارکان رژیم دست نشانده شاه، وظیفه اش، علاوه بر اجرای سیاستهای امپریالیسم در منطقه، تأمین محیطی از "ثبات و آرامش" در ایران برای چپاولگران امپریالیست است. در سایه سرنیزه های ارتش ضد خلقی شاه است که غارتگران امپریالیست و سوسیال امپریالیست، خلق مارا بپر حمانه چپاول میکنند، منابع مارا به تاراج میبرند و سودهای کلان به جیب میزنند. در چارچوب چنین هد فی و در برخورد با مقاومت پراکنده، بی سلاح خلق ما، ارتش مزدور شاه از هیچ جنایتی رویگردان نیست. وقایع شوم تاریخ معاصر ایران نظیر ۲۱ آذر ۱۳۲۰، ۱۶ آذر ۱۳۳۲، کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، بقید صفحه ۳

امپریالیسم... بقیماز صفحه ۱  
 یست ساواک تنزل داده است.  
 امپریالیسم فرانسه امپریالیسم روباه صفتی است که هنوز هم در مناطق دور افتاده بر خلقهای شیفته آزادی و استقلال به سبک استعمار کهنه حکومت میراند. او تا مدتی خود را مزدورانه طرفدار کشورهای کم رشد نشان داد و متحد و ی نیز موفق شد کم و بیش بویژه در کشورهای عربی و در آفریقا راه باز کند. اما امروز نقاب تزویر و ریا از چهره او برداشته میشود.

با مسافرت رئیس جمهور فرانسه به ایران میان شاه و روزوازی امپریالیست فرانسه اتحادی صورت گرفت. اتحاد دو کشوری که اقتصاد آنها "مکمل" یکدیگر است، اتحادی که ضمانت همکاری دولت پلیس فرانسه را با ساواک تأمین کرده است. اتحاد و تزویر کشورهای امپریالیسم فرانسه علیه کفدراسیون دانشجویان ایرانی است، علیه نیروهای ایرانی ضد رژیم شاه است. روزوازی امپریالیسم فرانسه و ارتجاع ایران بیش از آنکه از شوروی بترسند از خلق خود و از انقلاب وحشت دارند. اتحاد امپریالیسم، بهر قاره ای که تعلق داشته باشد، با ارتجاع کشوری کم رشد اتحادی ارتجاعی ضد انقلابی علیه خلقهای آن کشورهاست. بر چنین اتحادی بهیچ عنوانی بویژه بعنوان موهوم نمیتوان صحنه گذاشت چه رسد به اینکه از آن پشتیبانی کرد. بدون مبارزه با ارتجاع بومی و سرنگون ساختن آن، مبارزه با امپریالیسم و ریشه کسب کردن نفوذ آن امکان پذیر نیست.

در برابر پروکاسیون و شیخون دولت و پلیس فرانسه توده دانشجویان ایرانی و عناصر سازمانهای انقلابی و مترقی در همه جا به مقابله برخاستند و عمل دولت فرانسه را در پرورش به اعضای سازمانهای دانشجویی ایرانی محکوم ساختند. در آمریکا تظاهرات دانشجویان ایرانی از جانب پلیس آمریکا همکار دیگر ساواک مورد حمله قرار گرفت و در حد و یکصد تن از دانشجویان مبارز دستگیر شدند. اکنون روشن است که ساواک نه تنها فعالیت سیاه و جنایتکارانه خود را به خارج از ایران گسترش داده و با دست عمل خود و از آنجمله عالی که بنام دیپلمات در سفارتخانه های ایران لانه کرد فاند. دانشجویان مبارزان نیز نظر گرفته است بلکه در پلیس و دولت های کشورهای امپریالیستی حامی رژیم همکاران پرور افرسی برای خود یافته است. اما همانطور که شرایط وحشت و ترور در روم کشور دانشجویان را در برابر مبارزه با رژیم است پروکاسیونها و شیخونهای همکاران اریوئی و آمریکائی ساواک نیز دانشجویان مبارز رژیم را از بیگانه خواهد داشت. واکنش توده دانشجویان برابر تحریکات پلیس یونیاتوسکی بویژه تظاهرات بزرگ ۲۷ نوامبر در فرانکورت نشان داد که کفدراسیون زنده است و آنجا کسب بر سر مبارزه علیه رژیم شاه و ساواک و حامیان امپریالیست آنها است بجز معدودی "رهبران" که هنوز هم تنگ نظری گروهی و پرستش "من آنها را به اخلال در مبارزات علیه رژیم میکنند، همه" دانشجویان وحدت خود را بازمیابند و در سنگرو واحدی قرار میگیرند. تشدید مبارزه در خارج از کشور ایجاد میکند که کفدراسیون وحدت خود را بازمیابد و تکیه گاه خود را در میان دانشجویان و جوانان ایران توسعه بخشد تا با نیروی بیشتری در برابر هجوم رژیم شاه و حامیان امپریالیستش بایستد.

اطلاعیه... بقیماز صفحه ۳  
 انترناسیونالیسم پرولتری وفادارند. هدف مشترک هر دو سازمان پیروزی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان کمونیسم در سراسر جهان است. هر دو سازمان بر آنند که باید وحدت جنبش جهانی مارکسیستی-لنینیستی را تقویت کرد هر دو سازمان در انجام این وظیفه متفقاً با از یکدیگر پشتیبانی خواهند کرد.

سیاست... بقیماز صفحه ۳ شماره ۱۱۱۵ مورخ ۳ آبان ۱۳۵۴  
 شاه و وزیر کشاورزی این سیاست کشاورزی امپریالیسم را برده و عد و ها و اروپا های شیرین میپوشانند. فراوانی محصولات کشاورزی شاه و آسایش مردم پروستار انوید میدهند ما رژیم شاه قادر نیست عواقب این سیاست امپریالیسم را از نظر اینها سازد. دهقانان که خود قربانی این سیاستند سنگینی آنرا بر دوش احساس میکنند و اطلاعات بفرستند که "امروز از هر روستائی مقیم شهر سؤال کنید بزندگی از دست رفتن روستا تا سفید خور". (آری ۵ تیر ۵۵). آری دهقانان ایرانی زمین میخواهند زندگی روستائی خود را سر و سامان دهند انقلاب دهقانی کماکان در دستور حزب طبقه کارگر ایران باقی است.

وضع بین المللی و جنبش بین المللی مارکسیستی-لنینیستی از رذیق انیسور خوجه نشریه شماره ۴۸ توفان منتشر شد.

ارتش شاه مزدور... بقیه از صفحه ۲  
درجه سمیعت این ارتش ضد خلقی را برهنگان روشن ساخت است. دیرگاهی است که در روضان مابین ارتش خاندان کتیف پهلوی و دستگیر میکند صحابه میکند، شکرجه میدهد و به زندان میافکند و یا تیرباران میکند. نقش عدده ارتش مزدور شاه و ایجاد خفقان در ایران برکسی پوشیده نیست. چند سالی است که در ارتش تغییر شرایط بین المللی و عدم امکان مدخله مستقیم امپریالیستهای جنگهای محلی، ارتش را در انسلح شاه، بیماری نظام پوسیده، سلطان قاپوسنیز شتافته است. در آغاز چند واحد از نیروهای کلاسیک، با اصطلاح زنده ترین افراد ارتش شاه، در مظاریت شده شدند: ولی شدت تیرد و کشت تلفات "نیروهای ویژه" ارتش (؟!) موجب انزوا رفتی در میان کلاسیکها بوجود آورد. در اثر افتش برهانی زیاد و تان عنوان که آنها فقط برای جنگهای غیرمنظم آموزش دیده اند و نه جنگهای منظم، کلاسیکها به ایران رجعت داده شدند و بجای آنها راهبوسینه "سربازان وظیفه" دیگر نیروهای ارتش نظیر لشکر کار و زهری شیراز و خرم آباد برگردانده شدند. فقدان ارتش جنگی نیروهای ارتش در روضات قبل آمد باست (هینفد راضه کیم که در ارتش شجاعانه، سپهر پرستان ظفار، نیروهای ارتش اشغالگرا شاه و رننگرهای عمیق خود کاملا میخکوب شده اند و سربازان نلهد قتل و عام وسیع رفقای خود هستند که نه ایمان نظامی دارند و نه تجربه جنگی عد زیاد از درجه داران و افسران مقتضوری باسابقه ارتش که به زیربوم های قلتنیانی و تقلید ارتش واردند، تنها به امید کسب اندوخته مالی بظفار میروند. افسران روزی... تومان و درجه داران روزی ۳۰۰ تومان فوق العاده دریافت میکنند. آنها پس از گذراندن یک سال یا بیشتر با ایران آنهم در رشت جبهه، با پس اندازهای قابل توجهی که از فوق العاده روزانه و دله ندریهای دیگراند و ختاند با ایران بازمیگردند. شعله ور شدن انقلاب آزاد بیخس در کشورهای حوضه خلیج فارس امپریالیستها را سخت بوحشت انداخته است. بویژه با در نظر گرفتن اینکه هشتاد درصد مواد نفتی کشورهای امپریالیست غرب از خلیج فارس تامین میشود و امپریالیستها از تارت و حشیانه منابع و دسترنج خلقهای این منطقه سودهای هنگفتی میبرند، اهمیت حیاتی خلیج فارس برای اقتصاد ورشکسته امپریالیستهای غربی و نیز انگیزه اشغال عمان توسط ارتش مزدور شاه، کاملا روشن میشود.

ارتش مزدور شاه که با شماره ۱ اربابان امپریالیستش عمان را اشغال کرده است، در آنجا نیز بیک هدف را دنبال میکند: حفظ حرام منافع امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا و انگلیس در خلیج فارس. ولی سرنوشت ارتش ضد خلقی و اشغالگراها زهم اکنون روشن است؛ همانگونه که بزرگترین قدرتهای اقتصادی و نظامی جهان، یعنی امپریالیسم فرانسه و آمریکا را برابرازده خلق قهرمان ویتنام به زانوسی درآمده اند، آینده "بهترین جزئیات مستفحانه برای ارتش اشغالگرا شاه، که از نظرو حیوه، تجهیزات و تشکیلات از جمله ضعیفترین ارتشها جهانست، انتظار نمیرود. روزیکه خلقهای ایران، به رهبری حزب طبقه کارگر باخیزند و با ارتش خلق بر ارتش ضد خلقی شاهنشاهی سپاه پهلوی بتازند، بیکباره همه ارکان این گروه زورگو و فسد و در هم ریخته خواهد شد.

اطلاعه... بقیه از صفحه ۲  
۳- سازمان مارکسیستی - لنینستی توفان و حزب گو کارگری نروژ (مارکسیست - لنینست) هرگونه مدخله، توطئه، راهیله کشورها و خلق های خاورمیانه و نزدیک و هرگونه رقابت در این منطقه را محکوم میکند. هر دو سازمان از مبارزه عادلانه، خلق فلسطین برای آزادی کامل کشور خود پشتیبانی میکنند. در این مبارزه بزرگترین دشمنان خلق فلسطین و او بر قدرت اند که هر دو میکوشند جنبش آزاد بیخس فلسطین را از پای در آورند.

۴- حزب کمونیست کارگری نروژ (مارکسیست - لنینست) از شی حزب و مبارزه پرولتاریا و خلق زحمتکش نروژی سخن گفت. سازمان مارکسیستی - لنینستی توفان پشتیبانی کامل خود را از مبارزه حزب کمونیست کارگری نروژی علیه رویزنیسم مدرن و سوسیال دموکراسی، این اعمال بورژوازی و امپریالیسم در صفوف طبقه کارگر ابراز داشت. حزب کمونیست کارگری نروژی طبقه کارگر نروژ را در مبارزه سیاسی و اقتصادی علیه بورژوازی نروژی سیخ میکند و آزاد مبارزه علیه دشمن طبقاتی از لحاظ سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی بر ای انقلاب سوسیالیستی آماده میسازد. این مبارزه طبقاتی پرولتاریا نروژ تحت رهبری حزب کمونیست کارگری نروژی مورد پشتیبانی کامل سازمان توفان است. حزب کمونیست کارگری نروژ در رقابت و او بر قدرت بر سر نروژ و تحریکات نظامی آنها توضیحاتی دارد. هر دو سازمان تحریکات شوروی را علیه نروژ در سوالیبار و دریای بارنتس محکوم میکنند.

حزب کمونیست کارگری نروژ توضیح داد که چگونه باید با او بر قدرت پیکار کرد بدین آنکه بر یکی از آن دو رویزنیسم بورژوازی خودی در نروژ تکیه کرد. سازمان توفان پشتیبانی خود را از این مبارزه اظهار داشت و به خلق نروژ اطمینان داد که چنانچه کشور آنها قربانی تجاوز امپریالیسم آمریکا یا سوسیال امپریالیسم شوروی شود، سازمان توفان و خلق ایران متحد استوار حزب کمونیست کارگری نروژ و خلق نروژ خواهند شد.

۵- سازمان مارکسیستی - لنینستی توفان و حزب کمونیست کارگری نروژ (مارکسیست - لنینست) بر آنند که بد مبارزه علیه رویزنیسم مدرن مبارزه بخاطر آزادی ملی و سوسیالیسم میسر نیست. هر دو سازمان وظیفه خود میدهند با رویزنیسم در سطح جهانی همانگونه مبارزه کنند که با رویزنیسم در کشور خود مبارزه میکنند.

۶- هر دو سازمان همبستگی خود را با چین سوسیالیستی و آلبانی سوسیالیستی اعلام میدارند. این کشورها نمونه های درخشان را انقلاب مسلح و دیکتاتوری پرولتاریا میباشند.

۷- هر دو سازمان بر آنند که در جهان امروز گرایش عد انقلاب است و آنطور که رقیب ماوتسه درون میاموزد و امکان وجود دارد یا انقلاب از جنگ جلوگیری واجب است به انقلاب بی انجامد. امروز گرایش به جنگ سریعتر است میباید ورقابت و او بر قدرت کار را در جنگ جهانی جدیدی خواهد کشانید. او بر قدرت و بزرگ دشمن خلق های جهان اند و در حال حاضر گانه قدرتهایی میباشند که میتوانند آتش جنگ جدیدی را برافروزند.

اتحاد شوروی به او بر قدرتی بدل شده است که قدرت آن با قدرت ایالات متحده آمریکا برابری میکند. اتحاد شوروی برای تقسیم مجد در جهان تلاش میکند و همین امر سرچشمه جنگ جدید است. اتحاد شوروی نقاب سوسیالیستی بر جبهه خود زد باست برای آنکه جنبش های آزاد بیخس را تحت استیلا خود در آورد و نابود کند. لازم است ماسک او را درید و ماهیت امپریالیستی و فاشیستی او را به خلق هانشان در همانطور که مارکسیست - لنینستها، ایالات متحده آمریکا را باید در هر لحظه افشا کنند.

بهر حال امروز سوسیال امپریالیسم شوروی است که به احتمال قوی نائره جنگ جدید را بر خواهد افروخت. اما اگر او بر قدرت چنین جنگی را آغاز کند سیستم جهانی امپریالیسم محکوم به نابودی است و سوسیالیسم در سراسر جهان پیروز خواهد شد.

آینده مخلق هادرخشان است اگر چه فرمان سخت و دشوار است نیست

۸- سازمان مارکسیستی - لنینستی توفان و حزب گو کارگری نروژ (مارکسیست - لنینست) هر دو به بقیه از صفحه ۲

سیاست کشاورزی... بقیه از صفحه ۲  
ارضی بیشک و بیقواره و فارغ از معیارهای علمی و فنی بوجود آمده و اکنون که ماشین بخدمت انسانها گرفته میشود ضرورت دارد اولاین مزارع بیشک و بیقواره دارای شکل و نظم همگانی باشند که ماشین بتواند در آنها کار کند به علاوه مقیاس و ابعاد و اندازه آن طوری باشد که ظرفیت کاریک تراکتور را حداقل جذب نماید... لازمه رسیدن به این هدف جابجایی مالکیت ها و تعیین حدود و مرز منظم و مشخصی در مالکیت های جدید میباشد.

بر اساس همین قانون ایجاد قطب های کشاورزی در حوضه آبخور سد شاهپور اول زمین های مالکین را بزرگ میگرداند برای آنکه آنها را در هم ادغام کنند تا مزارع بزرگی برای سرمایه های بزرگ خارجی و داخلی فراهم آید. در آگاهی اجرایی قانون گسترش کشاورزی در قطب کشاورزی مهاباد (اطلاعات ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۵) از مالکان زمین خواسته شده است که برای ادغام مالکیت ها موافقت خود را کتباً اعلام دارند. عدم اعلام موافقت کنی در مدت مقرر منتهی انصراف از فعالیت های کشاورزی و امپریوری تلقی میشود. توگوئی فعالیت زراعی و امپریوری در قطعه زمین های کوچک امکان پذیر نیست. باری بدین ترتیب از مالکیت های کوچک البته در مناطق مرغوب سلب مالکیت میشود برای آنکه مزارع بزرگ پیدا آید و سرمایه گذاران خارجی و داخلی بتوانند با قدرت منابع طبیعی ما و استثمار کارگران ارزان ایرانی سود های فراوانی بدست آورند.

رژیم شاه و هقانان ایران را از زمین خود میرانند، بوجه کشاورزی و دیگر بخش های تولیدی را به ساختمان سد پروری و رودخانه ها و ایجاد کارخانه های برق آبی، ایجاد کانلهای آبیاری اختصاص میدهند و اینها همه را بانضمام اعتبارات کلان در اختیار سرمایه داران خارجی و داخلی میکند و نباید فراموش کرد که در بار راینگونه فعالیت های غارتگرانه در پیشاپیش همه میثازد.

رژیم شاه برای ادغام و یکپارچه کردن زمین و سپردن آن بخارت سرمایه داران بزرگ، زمین های هقانان را بزرگ میگرداند آنها را از هستی ساقط میکند و به مهاجرت به شهرها و به فقر و گرسنگی می کشاند. رژیم ایران که اینهمه تسهیلات برای سرمایه های خارجی فراهم میآورد، به دهقان ایرانی ناعاقتبار میدهد و نه آب، حتی برای دهات ایران جاده هم نمیسازد تا الاصل دهقانی اگر توانست محصولی بیش از احتیاج زندگی خود تولید کند به بازار عرضه دارد. وضع دهات ایران آنقدر خراب است که اطلاعات (۱۳ تیر ۱۳۵۵) اینروزنامه در باره یخد افع رژیم شاه مجبور است سپاه روی سفید بنویسد: در غالب دهات ترکیب خانه ها، کوجه ها و مزارع آنگونه است که صد سال، دوست و یا صد سال پیش بوده است با این تفاوت که از میان کوجه های کج و معوج خاکی توپیلی میگردد و بوق کر کنند ماش سکوت غم انگیز روستا را در هم می کشند. سیاست کشاورزی رژیم شاه همان سیاست "انقلاب سبز" امپریالیست ها است که در ایران شاه و وزیر کشاورزی رژیم نام "ایجاد قطب های کشاورزی" مجری آنند.

بدیهی است که وقتی از دهقانان باین نیروی عظیم مولد کشور امکان تولید سلب شود، واحد های بزرگ سرمایه داری نیز با احتیاجات زراعی و ای کشور توجه نداشتند، تولید و زراعت و امپریوری گرفتار کرد و ورشکستگی میشود و ناگزیر دولت باید مبالغ هنگفتی از پولهای نفت را برای خرید محصولات کشاورزی مورد احتیاج مردم کشور باقیتهای گزافی به امپریالیست ها بازگرداند. از هر سو که بنگری شود امپریالیسم است به برکت رژیم شاه کشور ما اکنون از لحاظ محصولات زراعی و دامی: گوشت، میوه، سبزی، پیاز، سیب زمینی بویژه غلات باید دست نیاز سوی امپریالیست ها دراز کند. امروز امپریالیسم آمریکا از نه سلاهی برای اعمال فشار به کشورها و پیشبرد مقاصد نو استعماری خود ساخته است و برای آنکه این سلاح موثر واقع شود هر جا که بتواند تولید کشاورزی را ورشکستگی می کشاند. ایران نمونه روشنی از آنست. مسلم است وقتی نان کسی بدست ستگری افتاد آن کس جز آنکه تابعان در خود شود چاره ای ندارد.

۲- غارت ثروتها و دسترنج خلق های جهان توسط امپریالیسم یک روی مدال است روی دیگر این مدال اینست که سوائلی فراهم آید که این غارتگری در محیطی آرام و بی دغدغه ادامه یابد. و این ممکن نیست جز از راه قلع و قمع مبارزه، خلق و بطور مشخص از مبارزه دهقانان. هم اکنون دهات ایران جاده هائی که دارای ارتش اقتصاد میباشند دارند؛ جاده هائی که دهقان تولید کنند میتوانند با استفاده از آنها محصولات خسود را به بازار عرضه کند موجود نیست اما در عوض جاده های جیب رو، جاده هائی که دارای ارتش نظامی اند در سراسر دهات ایران را میباشند هدف این جاده ها معلوم است و آن سرکوبی قیام دهقانی و نیروهای مسلح انقلابی در تمام نقاط کشور است به معنای سرکوبی نیروهای انقلابی در چند ده هزار روستای سراسر کشور که آسانی نیست، حتی از حالات است. اینست که امپریالیسم در ایران همان نقشهای را از هم اکنون میخواهد بعمود اجرا کند که در ویتنام، آمریکا آنرا بکار گرفت و آن تبدیل هفتاد تاهشتا هزاره ایران است به چند هزار "شهرک روستائی"، شهرک هائی که سبک روستا را در نقاط قابل دسترسی متمرکز خواهد ساخت و کنترل دهقانان و نیروهای انقلابی را آسان خواهد کرد. البته این نقشه طوری بیان میشود که گویا منظور آن رفاه روستائیان و برخورد در روستاها آنها را نظارت هر تمدن است و وزیر کشاورزی آنرا بدینصورت بیان میکند: جابجایی ساکنین روستاها در شهرک های آبروند، صاحب وسائل و تسهیلات زندگی در نزدیکی قطب های کشاورزی، بطوری که دریک دوره ۱۵ الی ۲۰ ساله گیکه روستائیان ایران در ۳۰۰۰ شهرک که دارای همه وسائل جامعه تمدن باشند متمرکز شوند و در این شهرک هانها اقتصاد روستائی حکمفرمان باشد بلکه اقتصاد صنعتی و اقتصاد خدمات شهری تنوعی به اقتصاد جامعه روستائی ما بدهد" (تهران اکونومیست بقیه از صفحه ۲)

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

دشمن تفرقه می افکند و حکومت میکند ما خود عامل تفرقه نباشیم

## اطلاعیه مشترک سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و حزب کمونیست کارگری نروژ

( مارکسیست - لنینیست )

از طرف روزنامه "زری ای پبولیت" ارگان کمیته مرکزی حزب کارآلبانی از سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان دعوت شده بود که در کنگره هفتم حزب کارآلبانی شرکت جوید. نماینده سازمان ما این افتخار را یافت که در این کنگره تاریخی شرکت کند و با کار کنگره و سپس با دستاوردهای خلق آلبانی در کار ساختمان سوسیالیسم آشنا شود.

در جریان کنگره و پس از آن میان نماینده سازمان ما با نمایندگان عدای از احزاب برادر ملاتپاتی صورت گرفت و دربار مسائل مختلف بین الطلی و ملی تبادل نظر بعمل آمد. این ملاقاتها در محیطی سرشار از روح برادری و انترناسیونالیسم پرولتری انجام شد. اطلاعیه های مشترکی تنظیم گردید. اینک اطلاعیه مشترک سازمان ما با حزب کمونیست کارگری نروژ ( مارکسیست - لنینیست )

۱- میان سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و حزب کمونیست کارگری نروژ ( مارکسیست - لنینیست ) ملاقاتی صورت گرفت. این ملاقات در محیط برادری و انترناسیونالیسم پرولتری جریان یافت. وحدت میان سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان و حزب کمونیست کارگری نروژ ( مارکسیست - لنینیست ) بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دین استوار است. ما درجهبه واحدی علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم قرار گرفته ایم و هدف واحدی را دنبال میکنیم که همانا پیروزی انقلاب پرولتری و کمونیسم در سراسر جهان است.

۲- سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان توضیح داد که چگونه کشور ایران از کودتای ۱۹۵۳ از لحاظ اقتصادی سیاسی و نظامی به تابعیت کامل از امپریالیسم آمریکا درآمده و چگونه همرا با امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم های دیگر غارت ثروت و دسترنج مردم ما مشغولند، چگونه سوسیال امپریالیسم شوروی نفوذ خود را در ایران گسترش میدهد و در غارت منابع و استثمار خلق های ایران سهمی دارد.

نماینده سازمان توفان توضیح داد که رژیم شاه یک دولت پلیسی تمام عیار است. ساواک که توسط مستشاران آمریکایی و اسرائیلی اداره میشود شبکه خود را بر سراسر کشور گسترده است. ارتش چند صد هزار نفری ایران توسط سی هزار مستشار نظامی آمریکایی رهبری میشود و در سرکوب خلقهای ایران و خلقهای منطقه بکار میآید. هم اکنون قریب بیست هزار نفر از ارتش ایران در رظفار به سرکوبی جبهه آزاد بخش خلق ظفار مشغولند. وحشت و ترور فوق العاده بر سراسر ایران مستولی است، زندانیان سیاسی به چند ده هزار نفر بالغ میگردد و در هر هفته سه نفر جویه اعدام بسته میشوند یا در رنبردهای خیابانی بقتل میرسند.

نمایند سازمان توفان از وظیفه سربمرفوری سازمان ما سخن گفت که آن احیا حزب طبقه کارگر است و سازمان میزمد برای آنکه حزب طبقه کارگر را در اسرع وقت احیا کند و سازمان دهد.

حزب کمونیست کارگری نروژ ( مارکسیست - لنینیست ) پشتیبانی کامل خود را از این مبارزه ابراز میدارد و گفت که حزب ما باید از رفقای توفان بیاموزد و اینرا وظیفه انترناسیونالیستی خود می شمارد که پرولتاریا و خلق زحمتکش نروژ را با مبارزه سازمان توفان آشنا سازد. حزب کمونیست کارگری نروژ ( مارکسیست - لنینیست ) توضیح داد که مبارزه سازمان توفان بمنزله پشتیبانی این سازمان از حزب کمونیست کارگری نروژ ( مارکسیست - لنینیست ) و پشتیبانی از مبارزه بخاطر انقلاب سوسیالیستی پرولتری نروژ است. موفقیتهای سازمان توفان در مبارزه با امپریالیسم و ریزش وارتجاع در واقع موفقیت های حزب کمونیست کارگری نروژ نیز بشمار میآید.

حزب کمونیست کارگری نروژ متذکر شد که امپریالیست های نروژ همرا با امپریالیسم آمریکا خلق ایران را استثمار میکنند. حزب از مبارزات خلق ایران علیه این استثمار پشتیبانی خواهد کرد و علیه این امپریالیسم در نروژ مبارزه

بقیه در صفحه ۳

در مبارزه با پنجاه سال سلطنت دودمان فاسد و ننگین و آدامکش پهلوی اعلامیه ها و تراکت هایی از جانب سازمان ما در ایران پخش شده است ما در شماره های گذشته برخی از آنها را در ماهنامه آوریم اینک یکی دیگر از آنها.

سر نکسون باد در بار منسفور پهلوی ۵۵ / ۷ / ۱

میدانید ما لنگ بزرگتر بین آنها کیت؟ و میدانید آپارتمانها که ساخته میشوند و به قیمت گزاف فروخته میشوند و حتی هر طبقه آن خود ۱۵ هزار تومان آنها فقط به غارتگران اجازه داده میشود متعلق به کیت؟ تمام آنها متعلق به شاه خائن و خاندان منسفور پهلوی میباشد. کسی که خود را حامی مردم میدانند میدانید بزرگترین واد کننده و تولید کننده مواد معدنی مثل هروئین، مخدر و سمها که باعث بدبختی مردم ما و بضمیمه صواب انسان میشود در ایران کیت؟ بدانید که محمد رضا شاه فاسد و خاندان ناچاقی او همان کسی که برای چستند گرم ترها کسده ها نفر را - بدار آورنده . میدانید که سهم هر ایرانی از فویرا لانه نفت ایران که در اصل متعلق به مردم است چقدر است؟ بهر از چهار هزار تومان که رژیم فاسد و سرسوده ایران بر مبرمی خاندان منسفور پهلوی و در رأس آن شاه خائن است زنده می آید تمامی آن را به مصرف خرید املحه های کو ناگون برای سر کوبی مبارزات مردم ما و خلقهای مشدقه خلق فارس میبرسانند .

وزمنده بر باد سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران

## سیاست کشاورزی امپریالیسم در روستای ایران

از امپریالیسم - خواه آمریکائی باشد یا اروپائی و ژاپنی - هیچ چیز نمی تراود که بسود خلق های جهان باشد. امپریالیسم - و سوسیال امپریالیسم نیز امپریالیسم است - فقط بیک چیز می اندیشد و آن اینکه چگونه و از چه طرقی میتواند خلقها را غارت و استثمار کند. دیری است که محافل امپریالیستی سنگ مردم گرسنه جهان راه سینه میکوبند و سنگ صد ها میلیون مردمی که حتی حداقل لازم را برای گذران زندگی ندارند. این محافل و در رأس آنها ما که ناماراژیکس بانک جهانی در دم این گرسنگان اشک تساح میریزند، توکوشی که مردم گرسنه جهان غنوار تراز این راهزنان غارتگر و استثمارگر می راندند. اما این اشک ها، این غنوار پنهانیزنگ های تازه ای برای غارت بیشتر خلقها و افزودن بر تعداد گرسنگان است.

محافل امپریالیستی در سالهای شصت بنظیر "چارچوشی" برای رفع گرسنگی "انقلاب سبز" را اختراع کردند، انقلابی که گویا میتواند و باید تولید محصولات کشاورزی را بر سراسر جهان افزایش دهد تا از نلیه گرسنگی اندکی بگاهد یا آنرا بکنی براندازد. اما "انقلاب سبز" امپریالیست هانغتها تولید محصولات کشاورزی را بالا نبرد بلکه کشاورزی کشورهای را که مشمول آن گردیدند در چار بحرمان و ورشکستگی سخت نغنتها از تعداد گرسنگان نکاست بلکه بر آن افزود. دلیل آن هم اینست که "انقلاب سبز" افزایشی است در دست سرمایه های بزرگ امپریالیستی برای آنکه به زمین های حاصلخیز کشورهای کم رشد هجوم برند و با استفاده از سرمایه های که دولتها در اختیار آنها میگردد و تسهیلات دیگری از همه قبیل که برای آنها فراهم میگردد و با استفاده از تکنیک های نوین کشاورزی و استثمار کارگران بومی محصولات نه بسرای رفع گرسنگی آن مردمی که سنگ آنها را به سینه میزنند بلکه برای بازارهای خارج تولید کنند، سودهای هنگفتی ببرند و دهقانان بومی را از هستی ساقط کنند.



سیاست کشاورزی امپریالیسم دهقانان را در زیر ماشین خود له میکند.

سیاست رژیم شاه در کشاورزی کدام است؟ سیاست کشاورزی رژیم شاه در چهارچوب شی جهانی امپریالیسم برد و اصل استوار است (۱- ایجاد واحد های بزرگ کشاورزی سرمایه داری مانند شرکتهای تعاونی تولید، شرکتهای سهامی زرایی - که از همان آغاز بیدایش با مخالفت شدید دهقانان روبرو گشته و پیشرفت چندانی نداشته است - شرکتهای خصوصی و شرکتهای کت و صنعت، مجتمع های بزرگ دولتی باد ست سرمایه داران بزرگ داخلی و بیوزمخارجی یا مختلط. آنچه در رژیم ایران بیشتر مورد توجه است جلب سرمایه های خارجی در کشاورزی بزرگ سرمایه داری است. سرمایه داران بیگانه پیوسته دعوت میشوند که در زراعت و دام پروری ایران سرمایه گذاری کنند. برای آنها همه گونه تسهیلات آماده است: حاصلخیزترین زمین هائی که در زیر سد ها قرار گرفته اند، اعتبارات بانکی، معافیت از مالیات و گمرکات، بیرون بردن سود های حاصل از کشور. این شرکتهای خصوصی خارجی یا داخلی معمولاً محصولاتی تولید میکنند که با احتیاجات کشور نمیخوانند، آنها تولید میکنند بیشتر به این منظور که صادر کنند.

در مناطقی که در زیر سد ها قرار دارند (مانند سد شاهپور اول در حوضه کشاورزی مهاباد) چنانچه زمین ها بصورت قطعات کوچک به مالکان خصوصی تعلق داشته باشد، این قطعات باید "یکپارچه" شوند، مالکیت ها در هم ادغام گردند تا بتوان از تکنیک و تکنولوژی متری استفاده کرد. وزیر کشاورزی آنرا اینگونه توضیح میدهد: بطوری که اطلاع دارید

بقیه در صفحه ۳

## با گسترش و تشدید فعالیت ساواک اتحاد همه نیروهای ضد رژیم از ضروریات است